

اشاره

انتشار این شماره دوفصلنامه توسعه علوم انسانی مقارن با دریافت درجه "علمی" از سوی شورای علمی فرهنگستان گردید که رخداد نیکوئی بشمار می‌آید و شایسته شکر است.

این موضوع بهانه‌ای شد تا در مورد نقش سازمانها در توسعه علم نکاتی را خدمت مخاطبان نشریه عرض کنم. اصولاً دیوانسالاری‌ها که مجریان قانون در آن مأوا گزیده‌اند، زندگی امروز ما را در قید و بندهای خود اسیر کرده‌اند و هر روز هم بر این قیود، الزامات تازه‌ای می‌افزایند و یک روز بخود می‌آئیم که تمامی حرکات و سکنات ما تحت شبانکاره‌ای سازمانی از اراده ما خارج شده است. دیوانسالاری‌های سلطه جو در آغاز با سیمائی معصوم و پاک اندیش به سراغ ما می‌آیند و نوید کار آمدی و کارآئی در رفع نیازهای ما می‌دهند و تضمین می‌کنند که ما را نظام مند و در لوای قانون به اهدافمان برسانند. اما این سیمای دل انگیز و منظر خوش دیری نمی‌پاید و همان گاهی که پایه‌های این ساختار سازمانی مستقر و محکم شد، بتدریج چهره واقعی آن خود می‌نمایاند و پدیدار می‌شود.

بر هر عمل شما بندی از قانون می‌نهند و هر رفتاری را تابع یک آئیننامه و دستورالعمل می‌کنند و با بهانه فریبنده "نظم" بجائی می‌رسد که امکان هرگونه تقلا و حرکتی غیر از آنچه در نظامنامه سازمانی آمده برای همگان غیر ممکن می‌شود. این هیولای ساختاری توفیقات خود را به رخ فرادستان خود می‌کشد و از آنها طلب منابع بیشتر می‌کند و در صورتیکه در رسیدن به مقاصد خود ناتوان باشد، باز هم خواستار منابع بیشتر برای رفع کاستی‌های خود می‌شود و این بدان معناست که اگر سازمان دیوان سالار ساختید باید هر روز شاهد بزرگتر شدن آن باشید زیرا این خصلت ذاتی آنست. دیوانسالاری‌ها چه به مصرف برسند یا نرسند بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند. این تفکر در حاکمیت که هر مشکلی را با ایجاد یک ساختار سازمانی می‌توان حل کرد به گسترده‌تر شدن دیوانسالاری‌ها کمک می‌کند و انعطاف پذیری‌ها و نرمش‌های لازمه تغییر و تحول را مشکل‌تر می‌سازد. دیوانسالاری در این شکل خود بجای ارائه دهنده خدمات عمومی، در خدمت کارگزاران و اهداف آنان قرار می‌گیرد و نوعی حاکمیت مقامات اداری را تجسم می‌بخشد. مقامات و پژوهشهای سرشماری در این زمینه هست که امکان ذکر آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

با این توصیف از سازمان‌های اداری می‌توان بسادگی پی‌برد که این ساختارها برای توسعه علمی آفت‌اند و وجودشان هیچگاه نمی‌تواند توسعه علمی را تسهیل و ترغیب کند، بلکه دائماً با حربه قانون و دستاویز نظم بخشی تحرک و پرواز علم را غیر ممکن‌تر و دشوارتر می‌سازد. بدین دلیل است که اندیشمندان سازمان از ساختارهای منعطف، آزاد و بدون سلسله مراتب برای توسعه علمی و مدیریت بر دانشگران نام برده‌اند و ثقل سازمان را نه در رأس آن بلکه در قاعده آن دیده‌اند. هرم سازمانی دانش بنیان در قاعده هرم سازمانی است و دانشگاهها و پژوهشگاهها قدرتشان در سطوح پائینی است نه چون دیوان‌سالاری‌ها در قدرت قانونی متراکم شده در رأس سازمان بنابراین وضع مقررات از سوی نهادهای اداری در زمینه‌های تخصصی که منبع اصلی آن در مراکز علمی قرار دارد موجب ابتر ماندن تلاشهای علمی و کشانیدن این نهادها بسوی اداره شدن و تبعیت از اصول مقررات اداری خواهد شد که با روح علمی در تعارض بوده و به اهداف توسعه علمی یاری نمی‌رساند. ایفای نقش والدینی و خلط وظیفه تسهیل‌گری با متولی‌گری، و نهادهای علمی را همانند ادارات تابعه فرض کردن خبطی تکین و اشتباهی بزرگ است که نه تنها به بسط علم و دانش کمک نمی‌کند، بلکه راه رشد طبیعی و متعارف فضای علمی را مسدود و متوقف می‌سازد. این ستادهای اداری باید بدانند که مأموریت اصلی آنها پشتیبانی و تهیه تدارکات و ایجاد امکانات و تسهیلات برای علم‌ورزان است، نه آنکه قواعد علمی را آنان به سبک و سیاق اداری تبیین کرده و برای اجرا به نهادهای علمی ابلاغ نمایند؛ و تا زمانی که این تفاهم در روابط فیمابینی حاصل نشود شاهد رکود تلاش‌های علمی و در بند مقررات و قوانین ماندن دانشگران خواهیم بود. در میدان قانون‌مداری اداری، راه پیشرفت برای آنهایی که از شیوه‌های تنظیم شده پیروی می‌کنند باز است و آنهایی در زمینه‌های علمی مرز شکنی می‌کنند پشت دیوارهای مقررات از حرکت باز می‌مانند. سازمان‌های اداری مداری را بر اساس مقررات تدوین میکنند که فراتر از آن مدار حرکت کردن که لازمه نوآوری و خلاقیت علمیست ممنوع است و این قید و بند مقرراتی، پویایی را از علم برمیگیرد و امکان بالندگی علمی را محدود و مقید به قوانین اداری می‌کند.

در ارزیابی و ارزش‌گذاری و تدوین و تصنیف آثار علمی نیز نهادهای علمی باید از استقلال کامل برخوردار باشند و این قبیل ارزیابی‌ها بوسیله خود اهل علم که اهلیت و اشراف کاملتری نسبت به حوزه علمی دارند صورت پذیرد. اصولاً ارزیابی گروه همکاران (peer group) از اعتبار و پذیرش بالاتری برخوردار است و بر

کیفیت‌ها تاکید و تمرکز بیشتری دارد. مقررات اداری با دیدی اثبات‌گرا دائما به دنبال تعاریف عملیاتی و کمی کردن سنجه‌های علمی هستند که واقعا کمیت‌پذیر نیستند. عدد و رقم حامل محتوا نیست و اتکاء بر آن بنیادی متزلزل است که ارزیابی درستی از آن حاصل نمی‌شود. در میانه این پیچیدگی‌ها مشکل زمانی مضاعف می‌شود که تمرکز گزائی همچون اختاپوسی در همه سازمانها مداخله کرده و با قوانین یکسان و استاندارد و یکسان پنداشتن همه سازمانها، آنها را به تابعیت از این قوانین مجبور می‌سازد. این نکته‌ی بدیهی است که هر سازمانی با توجه به گستره فراخ جغرافیائی و تنوع فرهنگی در کشور و گوناگونی زیرساخت‌ها و ظرفیت‌ها، وضعیتی یگانه و خاص خود دارد و منطقی نیست که آنها را با ابزارهای تعیین شده از مرکز و از راه دور ساماندهی نمود.

باید به نهادهای علمی و توانمندی‌هایشان اعتماد کرد و آزادی عمل لازم برای تقلای علمی را به آنها ارزانی داشت. از سوی دیگر مراکز علمی نیز باید ماهیت اصلی خود را بشناسند و در فضائی آزاد که لازمه رشد علم است به مأموریت و رسالت اصلی خود جامه عمل بپوشانند. شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنایت به جایگاه علمی فرهنگستان‌ها و ضرورت آزادی عمل آنها در حوزه مسائل علمی، امر ارزیابی و ارزش‌گذاری نشریات علمی را بر عهده خود آنان قرار داده است^۱ که امری پسندیده و مقبول اهل علم می‌باشد و انشاءالله دانشگاهها و مراکز علمی نیز خود عهده دار ارزیابی‌های علمی گردند و از اینطریق و با رفع تمرکز گزائی اداری و کنار زدن سایه مقررات اداری، شاهد شکوفائی علمی بیشتر و درخشندگی فراگیرتر خورشید علم در کشورمان باشیم.

تا باد چنین بادا

سردبیر